

بررسی ویژگی‌های زبانی زنان با توجه به متغیر سن بر اساس رویکرد لیکاف

ژینو ابراهیمی^۱، کورش صابری^{۲*}، شهاب مرادخانی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی بر اساس رویکرد تسلط لیکاف (۱۹۷۵) پرداخته‌است. هدف از این پژوهش بررسی، توصیف و دسته‌بندی ویژگی‌های خاص گفتار زنان مورد مطالعه و نیز بررسی تأثیر متغیر سن بر بسامد استفاده از ویژگی‌های زبانی مذکور است. داده‌های پژوهش حاضر به روش میدانی با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه از میان ۹۰ زن فارسی‌زبان کرمانشاهی در سه رده سنی مختلف، متعلق به طبقه متوسط شهری و دارای سطح تحصیلات دیپلم و پایین‌تر گردآوری شد. نگارندگان در روند پژوهش به چند ویژگی زبانی جدید افزون بر ویژگی‌های زبانی رویکرد لیکاف دست یافتند که عبارتند از «گفتار و لحن کودکان»، «کشش اصوات»، «زبان نمایشی»، «زبان دوری‌گزین» و «جاندارانگاری». یافته‌های پژوهش به شیوه کمی با استفاده از آزمون مربع خی و نیز شیوه کیفی با گریزی بر دانش روان‌شناسی (نظریه سازوکار دفاعی فروید) مورد تحلیل و تبیین قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیر سن تفاوت معناداری در بسامد استفاده از این ویژگی‌ها ایجاد نموده‌است. به غیر از دو ویژگی «آهنگ خیزان در جملات خبری» و «سوالات ضمیمه»، تمامی ویژگی‌های رویکرد لیکاف و ویژگی‌های کشف شده توسط نگارندگان با بسامدهای مختلف در گفتار زنان مورد مطالعه موجودند و قابلیت تعمیم به جامعه بزرگتر و مشابه با جامعه مورد مطالعه در این پژوهش را دارند.

واژگان کلیدی: رویکرد تسلط لیکاف، زبان و جنسیت، فارسی‌کرمانشاهی، نظریه سازوکار دفاعی فروید

۱. مقدمه

گوناگونی‌های زبانی بر پایهٔ متغیرهای اجتماعی مانند سن، میزان تحصیلات، فرهنگ و جنسیت از اصلی‌ترین موضوعات پژوهش در جامعه‌شناسی زبان است. در این پژوهش زبان به‌عنوان جایگاهی برای تجلی نگرش‌ها و بن‌مایه‌های روانی که بر تفکر و رفتار زبانی تأثیرگذار است، در نظر گرفته می‌شود و با وارد کردن متغیر سن به‌عنوان متغیر اصلی و جنسیت، تحصیلات و طبقهٔ اجتماعی به‌عنوان متغیرهای فرعی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی، کشف، توصیف و دسته‌بندی ویژگی‌های خاص زبانی گفتار زنان فارسی زبان کرمانشاهی، مطابقت دسته‌بندی حاصل از این بررسی با رویکرد لیکاف و همچنین بررسی تأثیر متغیر سن بر بسامد استفاده از ویژگی‌های زبانی مذکور است. پژوهش‌های بسیاری رویکرد لیکاف را به چالش کشیده‌اند اما تا کنون هیچ‌یک نظریهٔ لیکاف را بسط نداده و موردی به مولفه‌های وی نیفزوده‌اند؛ پژوهش حاضر به این مسئله پرداخته‌است. نگارندگان در روند پژوهش ویژگی‌های جدیدی را از گفتار زنان افزون بر ویژگی‌های رویکرد تسلط^۱ لیکاف کشف و استخراج نموده‌اند و تلاش کرده‌اند تا بر پایهٔ دانش روان‌شناسی و نظریهٔ سازوکارهای دفاعی^۲ فروید^۳ (۱۹۰۱) بسیاری از ویژگی‌های موجود در گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی را مورد تبیین قرار دهند. این پژوهش فهرستی ترکیبی از ویژگی‌های زبانی رویکرد لیکاف به‌علاوهٔ ویژگی‌های اکتشافی نگارندگان در گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی ارائه می‌نماید. داده‌های پژوهش حاضر به شیوهٔ نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه از سه نسل مختلف زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی گردآوری شده‌است. پژوهشگران ویژگی‌های زبانی مختص به زبان زنان مورد مطالعه در این پژوهش را از داده‌های گردآوری شده استخراج کرده و فراوانی آنها را در گفتار زنان مورد بررسی قرار داده‌اند. تمامی متغیرها (جنس، تحصیلات و طبقهٔ اجتماعی) به غیر از سن کنترل شده‌اند. جدول (۱) تمامی متغیرهای پژوهش و افراد مورد مطالعه را ارائه می‌نماید:

جدول (۱): متغیرهای اجتماعی و تعداد افراد مورد بررسی

جنس	سن	تحصیلات	طبقه اجتماعی
زن	۳ گروه سنی (۱۳-۱۹ سال) (۲۵-۴۵ سال) (۵۰ سال به بالا)	دیپلم و پایین‌تر	متوسط شهری

پیکره صوتی پژوهش حاضر ۴۵ ساعت معادل با ۲۷۰۰ دقیقه است. مصاحبه به صورت گروهی در گروه‌های کوچک سه الی پنج نفره صورت‌گرفت. جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش با کسب اجازه قبلی از مصاحبه‌شوندگان روند مصاحبه ضبط شد. برای اطمینان از پایایی داده‌های استخراج شده، از شیوه پایایی بین دو محقق استفاده شده است. این پژوهش از تحلیل محتوا جهت استخراج ویژگی‌های زبانی استفاده نموده و با استفاده از روش کمی مربعی به بررسی معناداری تفاوت بین بسامدهای ارائه شده پرداخته است. نگارندگان در این پژوهش برآنند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند:

۱. ویژگی‌های زبانی زنان فارسی زبان کرمانشاهی چیست و تا چه اندازه با نظریه لیکاف همخوانی دارد؟

۲. با توجه به ویژگی‌های زبانی مطرح شده توسط لیکاف آیا از لحاظ بسامد استفاده از این ویژگی‌ها تفاوت معناداری بین سه گروه سنی نوجوان، اوایل بزرگسالی و اواخر بزرگسالی وجود دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

پژوهشگران حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی تلاش نموده‌اند تا نظریه لیکاف را به محک آزمایش بگذارند که در اینجا به چندی از آنان اشاره می‌نمایم. یعقوبی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود تأثیر جنسیت بر روش بیان تقاضا را مورد بررسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که زنان از زبانی بسیار مؤدبانه‌تر نسبت به مردان استفاده می‌کنند و صورت‌های درخواست غیرمستقیم را به صورت‌های دستوری آشکار ترجیح می‌دهند. کردزعفرانلو و مومنی (۲۰۱۰) رابطه زبان و قدرت را مورد بررسی قرار دادند. آنان در مقاله خود وجود برخی از مؤلفه‌ها را

نشان‌دهندهٔ عدم قاطعیت و قدرت دانسته‌اند که نتایج تحقیق تا حدودی فرضیه آنها را تایید می‌نماید. کریم خانلویی و دیگران (۱۳۹۱) رابطهٔ بین جنسیت و قطع گفتار را بر اساس سه ویژگی مؤثر بر قطع گفتار (اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و همچنین قیدها و فعل‌های تردیدآمیز) را محیط‌های مختلط و همجنس مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که زنان و مردان در محیط‌های گوناگون رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین نظریهٔ تسلط را در جامعهٔ مورد مطالعه رد نمودند. محمودی‌بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) نیز نظریه لیکاف را در شش رمان فارسی از نویسندگان هر دو جنس زن و مرد به چالش کشیدند. نتایج نشان می‌دهد که استفادهٔ دقیق از رنگواژه‌ها و اجتناب از دشواژه‌ها از ویژگی‌های بارز زبان زنان نویسنده می‌باشد. حاتمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامهٔ خود قاطعیت گفتار زنان و مردان کردزبان را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که در جامعهٔ کردزبان شهرستان اسلام‌آبادغرب متغیر سن و تحصیلات در رابطهٔ مستقیم با عدم قاطعیت در زبان می‌باشد و به‌طورکلی، زبان زنان نسبت به زبان مردان دارای قاطعیت کمتری است. اریکسون و دیگران (۱۹۷۸) مکالمات محیط دادگاه‌ها را مورد بررسی قرار دادند. آنان داده‌هایشان را از میان شهود به‌عنوان افرادی فاقد قدرت و وکلا و قضات به‌عنوان افراد قدرتمند گردآوری نمودند. نتایج نشان می‌دهد که افراد با جایگاه اجتماعی فرودست سبک گفتاری ضعیف‌تری را نسبت به آنانی که دارای جایگاه اجتماعی بالاتر بودند، به‌کار می‌برند. طی پژوهشی بریمن و ویلکوکس (۱۹۸۰) به بررسی رابطهٔ فرهنگ و زبان پرداختند. آنان به این نتیجه دست‌یافتند که زنان در گفتار خود طبق نظر لیکاف از مواردی همچون صفات تشدیدکننده و سؤالات کوتاه ضمیمه بیشتر استفاده می‌کنند. آنان دشواژه‌ها و کلمات تابو را چندان در گفتار زنان مشاهده نکردند. وایت (۲۰۰۳) تأثیر وضعیت اجتماعی را به‌عنوان متغیر اصلی بر روی زبان و جنسیت بررسی کرد. وی بدین منظور به بررسی مکالمات چند همکار با وضعیت اجتماعی یکسان پرداخت. نتایج نشان دادند که قدرت در گفتار زنان و مردان متوازن است و آنچه که لیکاف از آن به‌عنوان نشانگرهای عدم قدرت و قاطعیت نام می‌برد تنها تفاوت در گفتار این دو جنس است. لونگوباردی و دیگران (۲۰۱۶) در مقالهٔ «تفاوت‌های جنسیتی در رابطهٔ بین زبان و توانش اجتماعی در کودکان پیش دبستانی» به بررسی توانش اجتماعی در میان ۲۶۸ کودک در ردهٔ سنی (۱۸ - ۳۵ ماه) پرداختند. آنان پس از بررسی داده‌ها بدین نتیجه دست یافتند که زبان پسر بچه‌ها نسبت به زبان دختر

بچه ها بیشتر با توانش اجتماعی در ارتباط است. وجه مشترک این پژوهش با پژوهش‌های پیشین مانند پژوهش عاملی یعقوبی (۱۳۸۷)، کردزغفرانلو و مؤمنی (۲۰۱۰)، محمودی بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) و حاتمی (۱۳۹۵)، اریکسون، جانسون و ابار (۱۹۷۸)، بریمن و ویلکوکس (۱۹۸۰) توافق در صحت نظریه تسلط لیکاف (۱۹۷۵) است. اما به طور کلی، تمایز این پژوهش با تحقیقات مذکور در این است که خود را صرفاً محدود به ارائه گزارشی بر رد و صحت رویکرد لیکاف ننموده است؛ بلکه، پیش‌تر رفته و در پی تبیین رویکرد لیکاف بر پایه دانش روان‌شناسی و همچنین جستجو برای دست یافتن به ویژگی‌های زبانی تازه‌ای علاوه به موارد بیان شده در رویکرد تسلط لیکاف بوده‌است که عبارتند از «گفتار و لحن کودکان»، «زبان نمایشی»، «زبان دوری‌گزین»، «کشش اصوات» و «جاندارانگاری».

۳. مبانی نظری

۳-۱ نظریه تسلط لیکاف

رویکرد تسلط رویکردی است که پس از انتشار مقاله بحث‌برانگیز لیکاف «زبان و جایگاه زن» مطرح شد و بنای انجام پژوهش‌هایی بسیار جدی را در زمینه زبان و جنسیت نهاد. بر اساس این رویکرد، لیکاف (۱۹۷۵) زبان مردان را زبانی بی‌نشان و در مقابل زبان زنان را زبانی نشاندار و تابع قلمداد می‌کند. وی بنابر ویژگی‌های زبانی‌ای که آنان را مختص زبان زنان می‌داند، گفتار زنان را گفتاری عاری از قدرت و قاطعیت معرفی می‌کند. به‌نظر لیکاف ویژگی‌های مختص زبان زنان در تمام سطوح زبانی از جمله ساختارهای دستوری، کاربرد واژگان و زیرو بمی گفتار خود را نمایان می‌سازد که در اینجا هر یک از این ویژگی‌ها را معرفی خواهیم نمود:

استفاده از عوامل ظفره‌روی؛ عواملی هستند که حس عدم قطعیت را بیان می‌کنند. گوینده با استفاده از آنها از اظهار نظر قاطعانه اجتناب می‌کند. به عنوان مثال، «یه جورایی»، «می‌دونی» و «منظورم اینه که ...».

استفاده از رنگواژه‌های دقیق: زنان در به‌کارگیری رنگ‌ها دقیق‌تر هستند و در کلام خود از طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها استفاده می‌کنند؛ در حالیکه چنین ویژگی‌ای در زبان مردان به‌ندرت مشاهده می‌شود. مثلاً طیف رنگ سبز برای زنان عبارت است از: فسفری، کاهویی، لجنی، زمردی و غیره. در حالیکه مردان همه آنها را سبز می‌نامند.

استفاده از صفات تهی^۶: صفات تهی، صفاتی هستند که علاوه بر معنای تحت‌اللفظی خود، مفهوم رضایت و تحسین را نیز به مخاطب القا می‌کنند و در کلام زنان نسبت به مردان بیشتر مشاهده می‌شوند. برای مثال، «ملوس»، «بانمک» و غیره

استفاده از صورت‌های بسیار مؤدبانه^۷: زنان در کلام خود نسبت به مردان بسیار بیشتر از صورت‌های مؤدبانه استفاده می‌کنند و اغلب درخواست‌های آنان به صورت سؤالی مطرح می‌شود تا بر مخاطب عملی را تحمیل نکرده باشند. مثلاً: «لطفاً اگر برای شما امکان دارد ...»، «در صورتیکه مزاحم وقتتون نمی‌شم...» و غیره. (در این پژوهش ویژگی درخواست‌های غیرمستقیم زیرمجموعه صورت‌های بسیار مؤدبانه قرار گرفته است).

استفاده از تکیه تأکیدی^۸: لیکاف بر این باور است که زنان برای قویتر کردن بار معنای کلام خود از تکیه تأکیدی در برخی از کلمات در جمله استفاده می‌کنند؛ مانند، «خیلی قشنگ بود». استفاده از سوالات ضمیمه^۹: سوالات کوتاهی که در پایان جملات به کار می‌رود را سوالات ضمیمه می‌گویند که اغلب نشانگر درخواست توجه مثبت و گرفتن تأیید از شنونده است. مثلاً: «این کتاب رو دوست داری دیگه، مگه نه؟»

عدم استفاده از دشواژه‌ها^{۱۰} و عبارات رکبک: کلمات و عباراتی هستند که در عرف جامعه بد دانسته می‌شوند. مردان معمولاً بیشتر از زنان از اینگونه عبارات استفاده می‌کنند اما جامعه از زنان انتظار دارد که مؤدبانه صحبت کنند.

استفاده از ادات فاقد معنا یا توصیف کننده‌های ضعیف^{۱۱}: توصیف کننده‌های ضعیف دارای معنای خاصی نیستند و تنها نشان‌دهنده احساس گوینده نسبت به مخاطب یا موقعیت آن‌اش می‌باشند. لیکاف این توصیف کننده‌های ضعیف را مانند «طفلکی»، «حیوونکی» و «ای خدای من» مخصوص زبان زنان می‌داند و آنها را در مقابل توصیف کننده‌های قوی را مانند «لعنتی»، «تف» به این زندگی و غیره قرار می‌دهد که مخصوص زبان مردان است.

استفاده از آهنگ خیزان در جملات خبری^{۱۲}: به نظر لیکاف، تفاوت محسوسی در آهنگ جملات زنان وجود دارد و آن این است که زنان از آهنگ خیزان جملات پرسشی برای ادای جملات خبری که دارای آهنگ افتان هستند، استفاده می‌کنند. وی این نوع جابه‌جایی را گویای تردید کلام آنان می‌داند. مثال:

غذا ساعت چند حاضر میشه؟

-حدود ساعت ۸...؟

۲-۳ نظریه سازوکار دفاعی فروید

یکی از مهم‌ترین نظریات فروید این بود که روان انسان یک وجهی نیست بلکه متشکل از سه بخش نهاد^{۱۲}، خود^{۱۵} و فراخود^{۱۶} است که در تمامی مراحل زندگی بشر در حال رشد می‌باشند (فروید، ۱۹۲۳). درواقع، «خود» به‌عنوان عاملی تعدیلگر بین «نهاد» و «فراخود»، با استفاده از سازوکارهای دفاعی، خواسته‌های افراطی «نهاد» را که دربردارنده رانه‌های جنسی و سلطه‌جویانه است، کنترل می‌نماید؛ طوریکه «فراخود» که بخش اخلاقی و وجدانی روان است نیز آن را بپذیرد. سازوکارهای دفاعی واکنش ناخودآگاه روان در موقعیت‌های تنش‌زا و اضطراب‌آور است که باعث کاهش اضطراب می‌شود تا از روان فرد در برابر از هم‌گسیختن محافظت نماید. چنانچه عملکرد سازوکارهای دفاعی مختل شود، «خود» مغلوب خواهدشد و کارایی‌اش را از دست می‌دهد. در نتیجه ساختار روان و شخصیت فرد از هم می‌پاشد. طبق نظر فروید^{۱۷} (۱۹۳۶) اکثر انسان‌ها حداقل پنج سازوکار دفاعی را به صورت روزانه به کار می‌برند بدون اینکه به هیچ‌روی از آن آگاه باشند:

سرکوب یا واپس‌زنی^{۱۸}: سازوکار دفاعی سرکوب با درکی عمیق از یک تنش آغاز خواهدشد و امیال و خواسته‌هایی که موجب افزایش تنش می‌شوند را سرکوب می‌سازد. **جبران^{۱۹}:** سازوکاری است که فرد به هنگام احساس کمبود و حقارت از آن استفاده می‌کند. آدلر (۱۹۱۷) احساس حقارت را نیرویی برانگیزنده در رفتار معرفی می‌نماید و آن را مختص جنس زن می‌داند، چرا که زنان به صرف زن بودن جایگاه فرودستی در جامعه دارند. وی از جبران این احساس حقارت به صورت نرینه‌نمایی سخن گفته‌است و هدف از آنرا میل به قدرت می‌داند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳).

بازگشت^{۲۰}: این سازوکار زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فرد نمی‌تواند در شرایطی که قرار دارد با فشارهای روانی مقابله کند. طبق نظر آنا فروید (۱۹۳۶) زمانیکه شرایط دشوار می‌شود ما اغلب به نوعی از رفتار که در دوران کودکی مان داشته‌ایم رجوع می‌کنیم. به ویژه کارهایی را انجام خواهیم داد که کودکان معمولاً برای طفره‌رفتن از پذیرش مسئولیت انجام می‌دهند.

خیال‌پردازی^{۲۱}: با استفاده از سازوکار دفاعی خیال‌پردازی افراد به جای پذیرش مشکل، آن را نادیده می‌گیرند و دنیایی را برای خود متصور می‌شوند که در آن همه چیز به خوبی پیش می‌رود. یکی از نمودهای این دنیا جاندارانگاری^{۲۲} اشیاء پیرامون‌شان می‌باشد که گاهاً بخش بزرگی از خلاء آنان را پر می‌نماید.

همانندسازی^{۲۳}: "کودکان با استفاده از سازوکار همانندسازی با فراگیری صفات پدر و مادر، اطرافیان و همانندکردن خود با آنها، رفته‌رفته در ساختن شخصیت خود گام برمی‌دارند" (گنجی، ۱۳۹۴: ۱۴۱). همانندسازی در زبان بدین گونه است که گاهی افراد بعد از دیدن یک فیلم یا صحبت کردن با دیگران به ناگاه متوجه می‌شوند که طرز صحبت کردن و لحن صدای آنان را در گفتار خود بازتاب می‌دهند (گوهری‌راد و جوادی، ۱۳۸۴).

گریز^{۲۴}: گریز باعث ایجاد یک حس رهایی می‌شود اما وضعیتی که ایجاد می‌کند کوتاه مدت است و فرد پس از مدت کوتاهی باز هم با همان عامل استرس مواجه خواهد شد.

جابه‌جایی^{۲۵}: سازوکار دفاعی جابه‌جایی باعث می‌شود که منبع اضطراب و ناراحتی‌ها به چیز دیگری منتقل شود. با استفاده از این سازوکار "افراد می‌توانند امیال نامعقول خود را به اشخاص یا اشیای گوناگون هدایت کنند، به طوری که تکانه اصلی (میل آنی) تغییر شکل یافته یا پنهان شده باشد" (فیست و همکاران، ۲۰۱۳).

۳-۳ نیم‌رخ‌های شخصیت^{۲۶}

منظور از نیم‌رخ شخصیت تعدادی و نه تمامی علائم اختلالات شخصیت می‌باشد که در فرد دیده می‌شود. ممکن است یک فرد دارای چندین نیم‌رخ باشد اما همچنان در شمار افراد سالم و عادی قرار گیرد و گاهی چند نیم‌رخ شخصیت با یکدیگر همپوشانی دارند. طبق طبقه‌بندی موجود در *DSM-5* (راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی) زنان بیش از مردان دارای نیم‌رخ‌های شخصیت نمایشی^{۲۷}، دوری‌گزین^{۲۸} و وابسته^{۲۹} هستند و مردان بیش از زنان دارای نیم‌رخ‌های شخصیت خودشیفته و ضداجتماعی می‌باشد (سادوک و دیگران، ۲۰۱۵). در اینجا بنا به ضرورت تنها دو نیم‌رخ شخصیت مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

۳-۳-۱ نیمرخ شخصیت نمایشی

افرادی که دارای خصوصیات رفتاری شخصیت نمایشی هستند معمولاً افرادی بسیار تحریک‌پذیر و هیجانی‌اند و رفتاری پرنرگ و لعاب، نمایشی و برون‌گرایانه دارند؛ اما علی‌رغم این رفتار نمی‌توانند دلبستگی عمیقی را به مدت طولانی حفظ نمایند (سادوک و دیگران، ۲۰۱۵). این رفتار اغراق‌آمیز به دلیل عدم اعتماد به نفسی است که این افراد نسبت به عادی پذیرفته شدن از طرف دیگران دارند و نیاز به جلب توجه دیگران دارد.

۳-۳-۲ نیمرخ شخصیت دوری‌گزین

افرادی که دارای شخصیت دوری‌گزین هستند نسبت به طرد شدن بسیار حساسند و از اینکه مورد توجه قرار نگیرند، بی‌اندازه سرخورده می‌شوند؛ با این حال تلاشی برای مورد توجه قرار گرفتن نیز نمی‌کنند. دوست دارند که فراخوانده شوند و نه آنکه کسی را فراخوانند.

۴ یافته‌ها

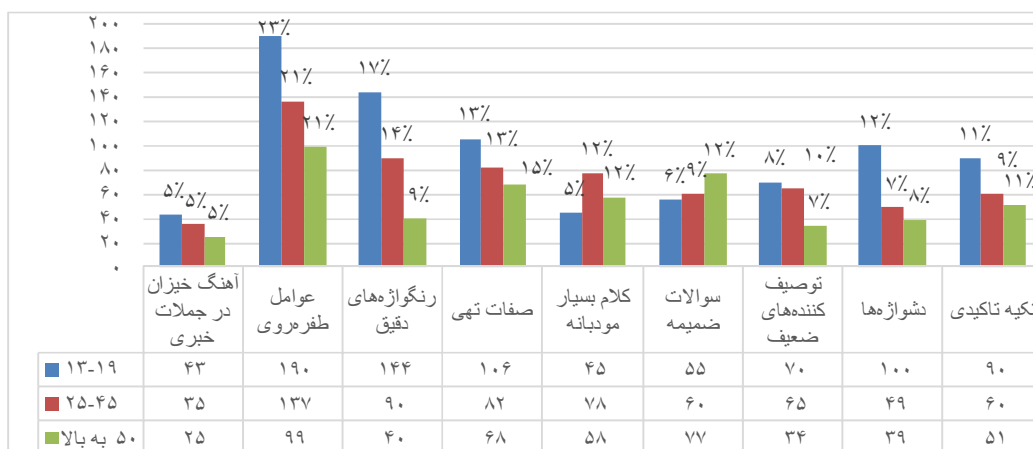
۴-۱ تحلیل ویژگی‌های زبان زنان بر اساس رویکرد تسلط لیکاف

طبق جدول (۲) میزان به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی نمایانگر عدم قدرت و قاطعیت کلام در گفتار زنان دارای بسامد بالایی است. به‌طور کلی بسامد هر یک از ویژگی‌های زبانی در گروه سنی نوجوان بیشتر از دو گروه سنی دیگر است.

جدول (۲): ویژگی‌های زبانی زنان طبق رویکرد تسلط لیکاف و بسامد به‌کارگیری آنها به تفکیک گروه سنی

ویژگی‌های زبانی	فراوانی			
	۱۳-۱۹	۲۵-۴۵	۵۰ به بالا	مجموع
آهنگ خیزان در جملات خبری	۴۳	۳۵	۲۵	۱۰۳
عوامل طفره‌روی	۱۹۰	۱۳۷	۹۹	۴۲۶
رنگواژه‌های دقیق	۱۴۴	۹۰	۴۰	۲۷۴
صفات تهی	۱۰۶	۸۲	۶۸	۲۵۶
صورت‌های بسیار مؤدبانه	۴۵	۷۸	۵۸	۱۸۱

فرآوانی					ویژگی‌های زبانی
۹٪	۱۷۲	۵۸	۶۰	۵۵	سوالات ضمیمه
۹٪	۱۶۹	۳۴	۶۵	۷۰	توصیف‌کننده‌های ضعیف
۹٪	۱۸۸	۳۹	۴۹	۱۰۰	دشوآه‌ها
۱۰٪	۲۰۱	۵۱	۶۰	۹۰	تکیه تاکیدی
۱۰۰٪	۱۹۷۰	۴۷۱	۶۵۶	۸۴۳	مجموع



نمودار (۱): فرآوانی ویژگی‌های زبانی در گفتار سه گروه سنی

درصد به‌کارگیری این ویژگی‌ها در زبان زنان مورد مطالعه به تفکیک گروه سنی در نمودار (۱) قابل مشاهده است. با توجه به نمودار زیر در تمامی گروه‌ها درصد به‌کارگیری «عوامل طفره‌روی» بیشترین میزان و «آهنگ خیزان در جملات خبری» کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. حال به بحث دربارهٔ بیشترین تا کمترین بسامد به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی در گفتار کل گروه‌ها می‌پردازیم:

الف. «عوامل طفره‌روی» ۲۲٪

«عوامل طفره‌روی» در کل گروه‌های سنی بیشترین کاربرد را داشته‌است. پرکاربردترین «عوامل طفره‌روی» در مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش عبارتند از: «می‌دونی»، «مثلاً»، «بعد» و «خب». فراوانی این ویژگی در گفتار برخی از افراد به ویژه در گروه سنی (۱۳-۱۹ سال) بسیار بالا بود.

ب. «رنگواژه‌های دقیق» ۱۴٪

همان‌طور که در نمودار (۱) مشهود است فراوانی به‌کارگیری این ویژگی به‌ترتیب از گروه سنی پایین به گروه سنی بالا کاهش یافته‌است. دلیل این امر در حین مصاحبه برای پژوهشگران روشن شد. زنان در گروه سنی بالا اسامی رنگ‌ها را نمی‌دانستند. توجه به رنگ‌های جزئی را می‌توان بر اساس نظر کریستوا (۱۹۸۴) در نتیجه نشانه‌ای بودن زبان زنان دانست. در زبان نمادین مردان پرداختن به جزئیات ضرورتی ندارد، از این رو از رنگواژه‌های دقیق استفاده نمی‌کنند.

پ. «صفات تهی» ۱۳٪

این ویژگی برخلاف اغلب ویژگی‌ها در زبان زنان گروه سنی (۵۰ سال به بالا) بیش از دو گروه سنی دیگر می‌باشد. درصد به‌کارگیری این ویژگی زبانی در گفتار دو گروه سنی (۱۳-۱۹ سال) و (۲۵-۴۵ سال) مساوی بوده‌است. پرکاربردترین واژه در زبان زنان گروه سنی نوجوان به‌عنوان صفت تهی واژه «تخس»، در میان گروه سنی اوایل بزرگسالی واژه «ملوس و ناز» و در میان گروه سنی اواخر بزرگسالی واژه «عزیز» می‌باشد. جنس این واژگان بیانگر تفاوت سه نسل است. به لحاظ معنایی صفات تهی «ملوس و ناز» و «عزیز» همگنی بیشتری با هم دارند تا صفت تهی «تخس» که در گروه سنی نوجوان به‌کار می‌رود و برای آنان برابر معنای «دوست‌داشتنی»، «ملوس» و «باهوش» است. سه واژه «ناز»، «ملوس» و «عزیز» واژه‌هایی مثبت هستند که به معنای مثبت هم به کار می‌روند اما واژه «تخس» واژه‌ای منفی است که با بار معنایی مثبت به‌کار برده می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که زبان گروه سنی نوجوان دارای گسست زیادی با نسل‌های قبل می‌باشد و دگرپرسی‌های بیشتری را پشت سر گذاشته‌است و مطالعات ویژه‌ای را به لحاظ معنایی، واجی، نحوی و جامعه‌شناسی می‌طلبد.

ت. «تکیه تأکیدی» ۱۰٪

بسامد استفاده از این ویژگی در سه گروه سنی تقریباً مشابه است. گویی این ویژگی یک مشخصه ثابت است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. کودکان به‌طور طبیعی برخی از خصوصیات رفتاری و زبانی والدینشان را تقلید و بازتولید می‌کنند؛ تا جاییکه برخی از این خصوصیات در وجود آنها نهادینه می‌شود و ثابت می‌ماند. براساس نظریه ناحیه مجاور رشد^{۳۰} ویگوتسکی (۱۹۷۸) رفتار والدین نقشی اساسی بر رشد کودکان دارد و مراحل رشد کودک بر اساس امکانات موجود در محیط رشدش شکل می‌گیرد. این نظریه را می‌توان به رفتارهای زبانی تعمیم داد، در میان ویژگی‌های زبانی عوامل زبرنجیری بیشترین قدرت تقلیدپذیری را دارند و می‌توان گفت که کودکان لحن گفتار والدین از جمله زیرو بمی کلام، تکیه‌گذاری و آهنگ کلام را بازتولید و تقلید می‌کنند و این چرخه از کودکی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

ث. «سؤالات ضمیمه» ۹٪

استفاده از ویژگی زبانی «سؤالات ضمیمه» با پایین آمدن سن کاهش یافته است. با توجه به درصد به‌کارگیری این ویژگی در زبان زنان گروه سنی (۵۰ سال به بالا)، به نظر می‌رسد که زنان سن بالا بیشتر نیازمند گرفتن تایید می‌باشند. این امر می‌تواند دلایل گوناگونی از جمله پایین آمدن اعتماد به‌نفس، نیاز به گرفتن تایید و همدلی با دیگران باشد. در میان سؤالات ضمیمه کوتاه، سؤالات «درست می‌گم؟»، «مگه نه؟» و «اینجوری هست یا نیست؟» بیشترین فراوانی را در گفتار زنان مورد مطالعه در این پژوهش دارا می‌باشند.

ج. «توصیف‌کننده‌های ضعیف» ۹٪

گروه‌های سنی پایین مورد مطالعه در این پژوهش بیشتر از توصیف‌کننده‌های قوی نظیر «لعنتی»، «تف به این شانس» و حتی گاهی کلمات رکیک استفاده می‌کردند. نوجوانان، همانگونه که در مبحث دشواژه‌ها نیز بدان اشاره خواهد شد، در پی کسب اعتبار و جلب توجه می‌باشند و در جهت نیل به چنین هدفی نیازمند این هستند که خود را قبول داشته‌باشند. بدین جهت سازوکارهای بسیاری را برای رسیدن به من دلخواهشان به کار می‌برند از جمله متفاوت بودن کلام که در جلب توجه عامل مهمی محسوب می‌شود.

چ. «دشوآژه‌ها» (۹٪) در برابر «صورت‌های بسیار مؤدبانه» (۹٪)

طبق نظر لیکاف (۱۹۷۵)، زنان به‌طورکلی از به‌کارگیری دشوآژه‌ها و عبارات رکیک اجتناب می‌کنند. پژوهشگر نیز با این پیش‌فرض در ذهن خود با افراد مصاحبه نمود، اما نتایج پس از مصاحبه از پیش‌فرض‌های ذهنی وی به‌ویژه در گروه سنی نوجوان دور بود. بر اساس آمار ارائه شده فراوانی استفاده از این دو ویژگی در زبان افراد مورد مطالعه در این پژوهش باهم تضاد دارند. برای نمونه، در گفتار گروه سنی (۱۳-۱۹ سال) کاربرد دشوآژه‌ها بیش از دو گروه سنی دیگر و استفاده از گفتار مؤدبانه در این گروه سنی کمتر از دو گروه سنی دیگر می‌باشد.

ح. «آهنگ خیزان در جملات خبری» ۵٪

طبق جدول (۲) استفاده از آهنگ خیزان در جملات خبری در رده سنی (۱۳-۱۹ سال) بیش از دو گروه دیگر است. علت این امر به دو مورد مربوط می‌باشد: از طرفی، هژمونی فرهنگی^{۳۱} موجود در فضای شهر که مانند فضای بسیاری از شهرهای دیگر زنان را در سطح فرودستی قرار داده‌است؛ از طرف دیگر، تفکرات مردسالارانه موجود اغلب موجب می‌شود تا زنان به‌ویژه دختران نوجوان که تازه درگیر تجربیات زندگی می‌شوند، دست به رازورزی بزنند و جهت اجتناب از سرزنش، تنبیه و محروم ماندن از برخی مسائل مورد علاقه‌شان از طرف خانواده فرایند مخفی‌سازی را پیشه نمایند. از این‌رو در پاسخ به سؤالاتی که جنبه تفتیش دارند از جمله «کجا می‌روی؟» و «کی برمی‌گدی؟»، اغلب رویکردی را پیش می‌گیرند که هم پاسخ داده باشند و هم پاسخ‌شان را قطعی نکرده باشند که بعداً مورد بازخواست قرار نگیرند. استفاده از آهنگ‌خیزان در جملات خبری یکی از این راه‌کارهای موجود است. پژوهشگران از مصاحبه‌شوندگان گروه سنی نوجوان خواستند که به سؤال «چه ساعتی خونه‌ای؟» در برابر پدرشان پاسخ دهند. بیش از سه‌چهارم از پاسخ‌ها دارای آهنگ خیزان بودند. نگارندگان این نظر را دارند که حساسیت‌های خانواده‌ها نسبت به زنان با افزایش سن آنها رفته رفته کاهش می‌یابد بنابراین به تناسب بالاتر رفتن سن میزان به‌کارگیری این مشخصه کاهش پیدا می‌کند.

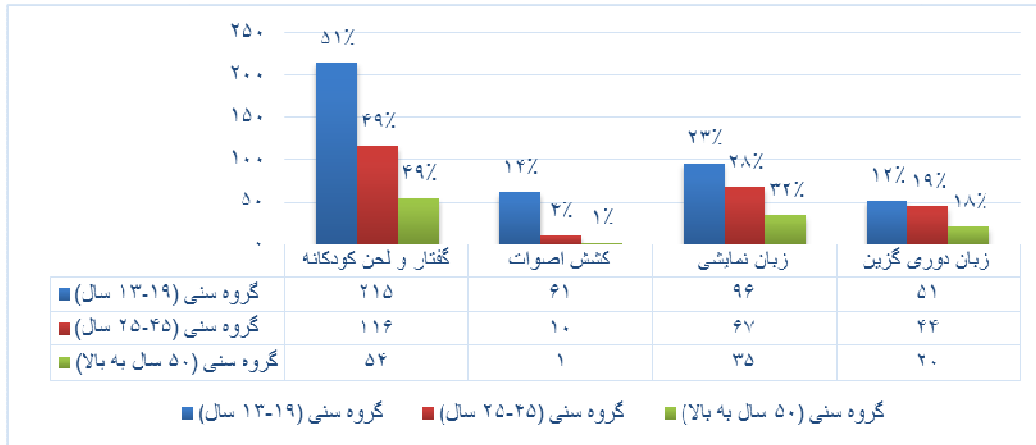
۲-۴ ویژگی‌های کشف شده توسط نگارندگان در گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) نگارندگان علاوه بر ویژگی‌های موجود در رویکرد تسلط لیکاف (۱۹۷۵)، به ویژگی‌های تازه‌ای در گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی دست‌یافته‌اند که در این بخش به معرفی و بررسی کمی این ویژگی‌ها می‌پردازند:

جدول (۳): ویژگی‌های زبانی اکتشافی توسط نگارندگان در زبان زنان مورد مطالعه و بسامد آنها به تفکیک گروه سنی

درصد	فراوانی				ویژگی‌های زبانی
	مجموع	۵۰- به بالا	۲۵-۴۵	۱۳-۱۹	
۵۰٪	۳۸۵	۵۴	۱۱۶	۲۱۵	گفتار و لحن کودکانه
۹٪	۷۲	۱	۱۰	۶۱	کشش اصوات
۲۶٪	۱۹۸	۳۵	۶۷	۹۶	زبان نمایشی
۱۵٪	۱۱۵	۲۰	۴۴	۵۱	زبان دوری‌گزین
-	-	-	-	-	جاندارانگاری*
۱۰۰٪	۷۷۰	۱۱۰	۲۳۷	۴۲۳	مجموع

*فراوانی ویژگی «جاندارانگاری» در جدول و نمودارهای این پژوهش قابل محاسبه نمی‌باشد چرا که آن را تنها به نسبت تعداد افراد می‌توان محاسبه نمود و این پژوهش تعداد به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی را در زبان افراد و نه تعداد افراد مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، نگارندگان پنج ویژگی زبانی را در گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) کشف و استخراج نموده‌اند. با نگاهی به جدول (۳) مشاهده می‌شود که ویژگی «گفتار و لحن کودکانه» از بیشترین بسامد و ویژگی «کشش اصوات» از کمترین بسامد برخوردار است.



نمودار (۲): فراوانی ویژگی‌های زبانی در گفتار سه گروه سنی

با توجه به نمودار (۲) درصد استفاده از این ویژگی‌های زبانی در گروه‌های سنی مختلف متفاوت است و بیشترین اختلاف مربوط به دو گروه سنی (۱۳-۱۹ سال) و (۵۰ سال به بالا) می‌باشد. اکنون به معرفی ویژگی‌های زبانی جدول (۳) و سپس نتایج حاصل از آزمون مربع‌خی می‌پردازیم:

الف. گفتار و لحن کودکانه ۵۰٪

این ویژگی به گونه‌ای در زبان زنان رایج شده است که نگارندگان را به تفکر در مورد چرایی وقوع این نوع گفتار در زبان زنان واداشت. در گفتار کودکان، به علت دشواری در فراگویی برخی از واج‌ها، برای سهولت گفتار جابه‌جایی واج‌ها رخ می‌دهد. از مشخصه‌های زبان کودکان می‌توان به این مورد اشاره نمود که معمولاً واج /l/ را جایگزین واج /r/ می‌کنند مثلاً به جای "می‌خوام برم بیرون" می‌گویند "می‌خوام بلم بیلون". این پدیده، به صورت طبیعی در روند زبان‌آموزی کودکان رخ می‌دهد اما استفاده عمده از چنین مواردی در زبان بزرگسالان نه تنها طبیعی نیست بلکه بیانگر نکاتی روان‌شناسانه و زبان‌شناسانه است و می‌توان آن را از جمله موارد عدم قاطعیت گفتار دانست. به نظر نگارندگان این ویژگی زبانی یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های است که در زبان زنان ایرانی خود را نشان داده‌است و عامه مردم نیز از این موضوع آگاهند طوری که در کلیپ‌های طنز نیز به آن پرداخته شده‌است. این مشخصه زبانی

در هر سه گروه سنی زنان مورد مطالعه دیده شد اما به کارگیری آن در گروه سنی بالا نسبت به دو گروه سنی دیگر از بسامد پایین‌تری برخوردار است.

ب. کشش اصوات ۹٪

نگارندگان متوجه شدند که برخی از زنان اصوات را کشیده‌تر از حد عادی آن بیان می‌کنند که به نظر آنان این ویژگی زبانی جهت جلب توجه است و شاید زنان با استفاده از این ویژگی تصور می‌نمایند که از جهت بهتری برخوردار می‌شوند. همان‌طور که در جدول (۳) دیدیم، کشش اصوات در میان زنان گروه سنی (۵۰ سال به بالا) بسیار اندک و در میان گروه سنی (۲۵-۴۵ سال) به‌ندرت قابل‌مشاهده بود؛ اما این ویژگی خاص گروه سنی (۱۳-۱۹ سال) به‌شمار می‌آید. نکته قابل‌توجه در به‌کار بردن این ویژگی این است که معمولاً در زبان کسانی نمود بارز داشت که به زبان فارسی معیار صحبت می‌کردند و نه فارسی گونه‌کرمانشاهی. به‌کارگیری یک زبان همواره با عناصر غیرکلامی همراه است از قبیل زبان بدن، آهنگ کلام و غیره. پژوهشگران در هنگام مصاحبه شاهد عناصر غیرکلامی و زبرزنجیری گونه معیار در گفتار مصاحبه‌شوندگان بودند. حرکات دست، چشم و طرز بیان کلمات همگی جنبه‌ای اغراق‌آمیز داشتند که گویی می‌خواهند توجه مخاطب را بیشتر جلب کنند. زمانیکه پس از اتمام مصاحبه از آنان پرسیده شد که چرا به زبان فارسی گونه‌کرمانشاهی صحبت نمی‌کنند، بسیاری از آنان این گونه زبان فارسی را حساب نمی‌آوردند و آن را زبانی نامناسب می‌دانستند. در خلال مکالمات، پژوهشگر شاهد جملاتی در توجیه استفاده نکردن از زبان فارسی گونه‌کرمانشاهی از مصاحبه‌شوندگان بود جملاتی از قبیل: "من باهمچی زبونی حرف بزنام؟ نه، عمر!!!!!!"، "وقتی می‌شنوم یه دختر اینطوری حرف می‌زنم، حس خوبی ندارم، فکر می‌کنم بیسواده‌هه" و غیره. (حروفی که در دیالوگ‌های بالا به صورت کشیده یا مکرر نوشته شده‌اند نمایانگر کشش اصوات می‌باشند).

پ. زبان نمایشی ۲۶٪

به‌نظر نگارندگان گفتار زنان دارای برخی ویژگی‌ها می‌باشد که بسیار شبیه به رفتار کسانی است که در روان‌شناسی به آنها شخصیت نمایشی و شخصیت دوری‌گزین گفته می‌شود. از این‌رو، آنان اسامی ویژگی‌هایی را که در گفتار زنان یافته بودند، بر اساس اسامی مذکور نام‌گذاری نمودند. ویژگی زبان نمایشی در گفتار زنان یکی از ویژگی‌های شایع است که معمولاً

هر فردی در زندگی خود شخصی را با چنین ویژگی رفتاری و گفتاری می‌شناسد و یا حداقل برای یکبار با چنین افرادی برخورد کرده‌است. در این رابطه، پژوهشگران گفتار زنان مورد مطالعه را با یک پرسش به‌محک آزمون نهاده از افراد خواستند که خوانندهٔ محبوب‌شان را نام ببرند و احساس خود را دربارهٔ وی بیان کنند. پاسخ‌های زنان مورد مطالعه و زبان بدن آنها به‌گونه‌ای بود که گویی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پرسش زندگی‌شان را پاسخ می‌دهند؛ به‌ویژه از کلمات و جملاتی استفاده می‌کردند که همخوانی بسیاری با زبان بدنشان داشت که از جمله می‌توان به «وای عشق منه»، «آخ من عاشقشم»، «اگه یه شب آهنگاشو نشنوم، می‌میرم» و «همهٔ زندگی منه» اشاره نمود. پاسخ‌ها در نسبت با سؤال بسیار اغراق‌آمیز و هیجانی می‌نمایند. این افراد از مشخصات دیگری بر اساس مشخصات ذکر شده در DSM-5 برخوردار بودند؛ مثلاً در مصاحبه بسیار همکاری خوبی نشان می‌دادند، طوری که مصاحبه‌شونده احساس می‌کرد مدت‌هاست این افراد را می‌شناسد. از دیگر مشخصه‌های این افراد لغزش‌های زبانی بر اثر هیجان در اتمام کلام خود بود. میزان به کارگیری این امر در گروه سنی (۵۰ سال به بالا) کمتر از دو گروه سنی دیگر بود.

ت. زبان دوری‌گزین^{۳۳} ۱۵٪

زبان دوری‌گزین بیش از هر یک از ویژگی‌های کشف شده توسط نگارندگان با رویکرد تسلط لیکاف (۱۹۷۵) همخوانی دارد. چرا که زبان دوری‌گزین علاوه بر ویژگی‌های خاص خود، دو یا چند ویژگی زبانی رویکرد تسلط لیکاف (۱۹۷۵) از جمله «عوامل طفره‌روی» را دربرمی‌گیرد. نگارندگان برای اطمینان از وجود یا عدم وجود نشانه‌های زبانی نیم‌رخ دوری‌گزین در گفتار زنان مورد مطالعه با طرح پرسشی از آنها خواستند تصورنمایند که گروهی از دوستان‌شان برنامهٔ رفتن به جایی را دارند و آنان نیز بسیار دوست‌دارند که در جمع دوستان‌شان حاضر شوند، آیا مستقیماً پیشنهاد می‌دهند که با آنها همراه خواهند شد یا به‌طور غیرمستقیم خود را به جمع آنان دعوت می‌نمایند؟ سپس از آنها خواسته شد که در هر یک از دو صورت جملات‌شان را بیان کنند. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از وجود نشانه‌های زبانی بود که با علائم مشخص نیم‌رخ شخصیت دوری‌گزین همخوانی دارد. آنان در حین مصاحبه با خندیدن‌های بی‌مورد سعی در پنهان کردن عدم اعتمادبه‌نفس‌شان می‌کردند. در پاسخ به سؤالات به‌گونه‌ای که در زبان‌شان نیز نمود می‌یافت به دلیل ترس از اشتباه کردن و

یا مسخره شدن توسط دیگران دائم از خود مقاومت نشان می‌دادند. نمود زبانی آشکار در گفتار آنان استفاده زیاد از «عوامل طفره‌روی» و کلماتی بود که بیانگر تردید و عدم اعتماد به نفس است که از جمله می‌توان به عباراتی نظیر: «چی بگم آخه»، «شاید»، «ممکنه» و «آخه...» اشاره نمود. برخی از آنان جواب سؤالات را به تعویق می‌انداختند و از جملاتی همچون «اول از شراره بپرس» استفاده می‌کردند که بیانگر علاقه آنان به دوری‌گزیدن از تصمیم‌گیری و تابع نظر دیگران بودن است. این ویژگی زبانی در گروه سنی (۲۵-۴۵ سال) بیشتر مشاهده شد.

چ. جاندارانگاری

جاندارانگاری از نخستین پندارهای آدمی بوده است؛ ... این حالت روحی بر اثر مطالعات جدید درباره تفکر کودکان و اقوام ابتدایی روشن شده و عبارت از برون‌فکنی^{۳۴} خواهش‌ها، ترس‌ها و نسبت دادن نیروهای نهانی به موجودات و اشیاء عالم محیط بر آدمی است (مولر، ۱۹۷۶: ۷). با وجود اینکه این ویژگی همچون ویژگی «گفتار و لحن کودکان»، متعلق به دوران کودکی است و با ورود به مرحله نوجوانی باید از بین برود، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد جاندارانگاری به گونه‌ای در زبان زنان بالغ هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. درصد بالایی از زنان به اشیاء جان‌بخشیده بودند و در اکثر موارد این اشیاء تبدیل به یک نوع سنگ صبور برای شنیدن درد دل‌هایی شده بود که آنها نمی‌توانستند با کسی در میان بگذارند. برخی از زنان دارای دوستانی خیالی بودند که نام‌های کودکانه‌ای همچون «فندق»، «گابی» و «کوجی» برایشان گذاشته بودند.

۳-۶. نتایج آزمون مربع‌خی

اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد که سطح معناداری تمامی ویژگی‌های گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) بر اساس متغیر سن به‌غیر از دو ویژگی «آهنگ خیزان در جملات خبری» و «سؤالات ضمیمه» کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد قرار می‌گیرند و می‌توان ادعا کرد که تفاوت معناداری در کاربرد این ویژگی‌های زبانی میان زنان سه گروه سنی مورد مطالعه وجود دارد. از این رو، این ویژگی‌ها به گروه‌های بزرگتر و مشابه با گروه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر قابل تعمیم است.

جدول (۴): نتایج آزمون مربع خی

ویژگی‌های زبانی	مقادیر مربع خی	درجه آزادی	سطح معناداری
آهنگ خیزان در جملات خبری	۴/۷۳۸	۲	۰/۰۹۴
عوامل طفره‌روی	۲۹/۴۲۳	۲	۰/۰۰۰
رنگواژه‌های دقیق	۵۹/۲۴۱	۲	۰/۰۰۰
صفات تهی	۲۱/۵۹۳	۲	۰/۰۰۰
صورت‌های بسیار مؤدبانه	۹/۱۶۰	۲	۰/۰۱۰
سوالات ضمیمه	۳/۸۷۵	۲	۰/۱۴۴
توصیف کننده‌های ضعیف	۱۳/۵۰۳	۲	۰/۰۰۱
دشواری‌ها	۱۹/۵۷۶	۲	۰/۰۰۰
تکیه تأکیدی	۱۲/۴۴۸	۲	۰/۰۰۲
گفتار و لحن کودکانه	۱۰۲/۷۶۹	۲	۰/۰۰۰
کشش اصوات	۸۷/۲۵۰	۲	۰/۰۰۰
زبان نمایشی	۲۱۲/۲۸	۲	۰/۰۰۰
زبان دوری‌گزین	۱۳/۷۹۱	۲	۰/۰۰۱

۵. بحث

پژوهش حاضر قصد دارد جهت تبیین ویژگی‌های زبان زنان مورد مطالعه در این پژوهش براساس رویکرد لیکاف از نظریه سازوکارهای دفاعی فروید (۱۹۳۶) بهره‌جوید تا به چرایی وجود این ویژگی‌ها در زبان زنان دست‌یابد.

سازوکار دفاعی سرکوب: پژوهشگران در حین مصاحبه متوجه شدند که بسیاری از زنان به‌ویژه در گروه سنی نوجوان و اوایل بزرگسالی از زبان‌فارسی گونه معیار استفاده می‌کنند. براساس نظر بسیاری از محققین زبان‌شناسی استفاده از زبان معیار در گفتار زنان به هدف بالا بردن وجهه و کسب منزلت اجتماعی می‌باشد. گویی آنان می‌خواهند با تقلید و استفاده از زبان طبقات اجتماعی ممتازتر، خود را در زمره این طبقات جای دهند. به‌همین دلیل با استفاده از سازوکار دفاعی سرکوب زبان طبقه اجتماعی خود را که به نوعی باعث احساس ناخوشایند در

آنان است، نادیده می‌گیرند و تمام سعی‌شان را برای استفاده از زبان طبقه بالاتر به کار می‌برند.

سازوکار دفاعی جبران: برخی از ویژگی‌های زبانی از جمله ویژگی‌هایی که حاکی از عدم اعتماد به نفس، قدرت و قاطعیت کافی هستند مانند «تکیه تأکیدی»، «کشش اصوات»، «صورت‌های بسیار مؤدبانه» و «گفتار و لحن کودکانه» را می‌توان توسط سازوکار دفاعی جبران تبیین نمود. به دلیل اینکه زنان از اعتماد به نفس، قدرت و قاطعیت کافی در زندگی بهره نیاافته‌اند، این دسته از نیازهایشان در زبان آنها متبلور می‌شود که باعث بوجود آمدن ویژگی‌های مذکور در زبان آنان شده است. تمامی این موارد بازتابی از سازوکار دفاعی جبران می‌باشند.

سازوکارهای دفاعی بازگشت، گریز و جابه‌جایی: ویژگی «گفتار و لحن کودکانه» به صورت همزمان بازتاب‌دهنده سه سازوکار دفاعی بازگشت، گریز و جابه‌جایی است. استفاده از این ویژگی زمانی به اوج خود می‌رسد که فرد بر اثر احساسات مختلف از جمله ترس، عدم اعتماد به نفس و استیصال در پاسخگویی تصور می‌کند که باید از شرایط موجود بگریزد و یا آن‌را با چیزی دیگر جایگزین نماید. پژوهشگران متوجه شدند افراد در سه موقعیت کلیدی از جمله جلب توجه و خودشیرینی، برآورده شدن خواسته‌ها - به ویژه خواسته‌های غیرضروری و نادیده گرفته شدن خطاهایشان از این نوع گفتار با بسامد بالاتری نسبت به موقعیت‌های عادی استفاده می‌نمایند. برای مثال، زنان در تمامی گروه‌های سنی از این نوع گفتار به این شرح استفاده می‌کنند: گروه سنی نوجوان در هنگام تقاضا از خانواده‌هایشان برای سفر و یا مهمانی با گروه دوستان و خرید وسایل غیرضروری، زنان گروه سنی اوایل بزرگسالی اغلب در هنگام صحبت کردن با همسرشان برای برآوردن خواسته‌ای، نادیده گرفته شدن خطایی و جهت خود شیرینی‌کردن و زنان گروه سنی اواخر بزرگسالی در هنگام مکالمه با نوه‌هایشان و در جمع دوستان برای نشان دادن روحیه جوانانه. ویژگی «گفتار و لحن کودکانه» کلام را در سطح آوایی، واجی، واژگانی و گاهاً نحوی تغییر می‌دهد. این ویژگی بیانگر پیچیدگی‌های زیادی در شخصیت افراد است. به نظر نگارندگان، بازتاب سازوکار دفاعی بازگشت در استفاده از «گفتار و لحن کودکانه» حاکی از عدم اعتماد به نفس، احساس خودکم‌بینی در برابر مخاطب، به تأخیر انداختن مشکلات و مشمول زمان کردن آنها است. هر کدام از دلایل فوق ریشه‌های

عمیقی در ساختار شخصیت افراد دارد که باعث ایجاد سدی در برابر تغییر ساختار شخصیت، کسب قدرت و منزلت لازم و کافی برای فرد می‌گردد.

«عوامل طفره‌روی» ویژگی دیگری است که بازتاب‌دهنده سازوکارهای دفاعی گریز و جابه‌جایی می‌باشد. وقتی که فرد در هنگام سخن گفتن مدام از «عوامل طفره‌روی» استفاده می‌نماید، درواقع به‌گونه‌ای از سخن گفتن و اظهارنظر کردن طفره می‌رود و برای جبران این ناتوانی در گفتار به استفاده از عواملی روی می‌آورد که بتواند برای تداوم سخن خود زمان بخرد. این نوع استفاده از کلام نوعی گریز و جابه‌جایی محسوب می‌شود.

سازوکار دفاعی همانندسازی: مؤلفه‌های زبانی همچون «صفات تهی» و «توصیف‌کننده‌های ضعیف» بازتاب دهنده سازوکار دفاعی همانندسازی است. این سازوکار با زبان نمایشی همپوشانی زیادی دارد. هنگام استفاده از سازوکار دفاعی همانندسازی، شخص درگیر ویژگی‌های رفتاری و گفتاری شخص دیگر خواهد شد و با شدت بیشتری آنها را در رفتار و گفتار خود منعکس می‌نماید؛ به‌عنوان مثال، برای نشان دادن همدردی عمیق و صمیمانه خود با دیگران از ویژگی‌های «توصیف‌کننده‌های ضعیف» و «صفات تهی» به گونه‌ای غلوآمیز استفاده می‌کنند. مثلاً در واکنش به این جمله «احساس سرماخوردگی دارم» جملاتی از این قبیل گفته می‌شد: «آخی، الهی بی‌مرم برات» و «طفلك بیچاره من». در کنار این ویژگی‌های زبانی پژوهشگران متوجه تطابق زبان افراد در مجاورت یکدیگر نیز شدند. برخی زنان به تبعیت از برخی دیگر از زنان لهجه‌شان تغییر می‌کرد.

سازوکار دفاعی خیالپردازی: ویژگی «جاندارانگاری» آخرین ویژگی مورد بحث است که بازتاب‌دهنده دو سازوکار دفاعی خیالپردازی و به نوعی بازگشت است. این ویژگی در میان زنان بسیار رایج است؛ زنان اغلب با اشیائی از قبیل عروسک و تلفن همراه، ساعت مچی، گلدان گل، ماشین شخصی و گردنبند قدیمی رابطه برقرار می‌کنند.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، بسیاری از ویژگی‌های زبانی زنان را می‌توان با مطالعه ناخودآگاهی^{۲۰} آنان تبیین نمود. ویژگی‌هایی که لیکاف وجودشان را در زبان زنان بیانگر زبان

ضعیف و عاری از قدرت می‌داند در واقع نتیجه چالشی بین خودآگاه و ناخودآگاهی زنان برای حفظ سلامت روان‌شان در برابر منشأهای استرس، خودکم‌بینی، استیصال، ترس و در نتیجه گریز از موقعیت‌هایی است که آنان را مضطرب می‌نماید. به عبارت دیگر، زنان برای گریز از وضعیت موجود خود در جامعه (که وضعیتی فرودست است) و کسب منزلت اجتماعی و جایگاهی بالاتر تلاش می‌کنند اما این تلاش‌ها به دلایل گوناگون تاریخی، اجتماعی و فرهنگی چنان که باید منجر به کسب نتایج چشمگیر نمی‌شود؛ اینجاست که نمودی از این تعارض در زبان آنان برای جبران نداشته‌هایشان ظهور و بروز می‌یابد و موجب بوجود آمدن ویژگی‌هایی در زبان زنان می‌شود که زبان آنان را زبانی ضعیف و نشانگر عدم قدرت و قاطعیت معرفی می‌نماید. نتایج نشان دادند که تمامی ویژگی‌های زبانی مطرح شده توسط لیکاف (۱۹۷۵) با نوساناتی اندک در بسامد به‌کارگیری، در گفتار زنان مورد مطالعه در این پژوهش موجود است. جدول (۲) نمایانگر وجود ویژگی‌های کشف شده توسط نگارندگان در گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) است. اما اگر بخواهیم به میزان همخوانی این ویژگی‌ها با رویکرد لیکاف اشاره نماییم، باید بگوییم که در گفتار زنان مورد مطالعه در این پژوهش تنها دو ویژگی «آهنگ خیزان در جملات خبری» و «سوالات ضمیمه» در میان مؤلفه‌های رویکرد لیکاف قابلیت تعمیم‌پذیری به جامعه بزرگتر و مشابه با جامعه پژوهش را نداشتند. بنابراین، نگارندگان آن دو ویژگی زبانی را در زمره ویژگی‌های گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) قرار نمی‌دهند. جدول (۵) نمایانگر آن ویژگی‌هایی است که این پژوهش آنها را جزء ویژگی‌های زبانی زنان فارسی زبان (گونه کرمانشاهی) می‌داند:

جدول (۵): ویژگی‌های گفتار زنان فارسی زبان (گونه کرمانشاهی)

ویژگی‌های موجود در رویکرد لیکاف	ویژگی‌های کشف شده توسط نگارندگان
عوامل ظفرروی	گفتار و لحن کودکانه
رنگواژه‌های دقیق	کشش اصوات
صفات تهی	زبان نمایشی
صورت‌های بسیار مؤدبانه	زبان دوری‌گزین
توصیف کننده‌های ضعیف	جاندارانگاری
دشوآه‌ها	

ویژگی‌های کشف شده توسط نگارندگان

ویژگی‌های موجود در رویکرد لیکاف

تکیه تأکیدی

گفتار همدلانه

پس از اینکه در بالا به پرسش نخست پژوهش پاسخ داده شد حال نوبت به پاسخ پرسش دوم می‌باشد؛ نتایج نشان دادند که از لحاظ بسامد استفاده از این ویژگی‌ها، تفاوت معناداری بین سه گروه سنی مورد مطالعه وجود دارد و با بالا رفتن سن فراوانی این ویژگی‌ها در زبان زنان کاهش می‌یابد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. dominance approach
2. defense mechanism
3. S. Freud
4. inter-rater reliability
5. language and woman's place
6. hedges
7. empty adjectives
8. super polite forms
9. emphatic stress
10. tag-question
11. expletive
12. weak qualifier
13. rising intonation
14. Id
15. ego
16. superego
17. A. Freud
18. repression
19. compensation
20. regression
21. fantasy
22. animism
23. identification
24. escape
25. displacement

26. personality profile
27. histrionic
28. avoidant
29. dependent
30. zone of proximal (or potential) development
31. cultural hegemony
32. histrionic language
33. avoidant language
34. Extrajection

۹. منابع

- حاتمی، حدیث. (۱۳۹۵). *بررسی قاطعیت در گفتار زنان و مردان کردزبان در اسلام‌آباد غرب بر اساس رویکرد تسلط لیکاف*. کرمانشاه: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی.
- زیگموند، فروید. (۱۳۹۲). *مکانیزم‌های دفاع روانی*. حبیب گوهری راد، & محمد جوادی. تهران: رادمهر.
- کریم خانلویی، گیتی؛ محمودی بختیاری، بهروز؛ رهبر، بهزاد. (۱۳۹۱). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی زبان». *دو ماهنامه جستارهای زبانی*، دوره ۳، شماره ۴ (۱۲)، ۱۴۷-۱۳۵.
- گنجی، حمزه. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی عمومی*. تهران: ساوالان.
- گنجی، حمزه. (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM-5*. تهران: ساوالان.
- محمودی بختیاری، بهروز؛ & دهقان، مریم. (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان». *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۴، ۵۴۳-۵۵۶.
- مولر، فرنان. لوسین. (۱۳۶۸). *تاریخ روان‌شناسی*. علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یعقوبی، هما. (۱۳۸۷). *تأثیر جنسیت بر شیوه بیان تقاضا در زبان فارسی*. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- Berryman, C. L., & Wilcox, J. R. (1980). «Attitudes Toward Male and Female Speech: Experiments on the Effects of Sex-Typical Language». *Western Journal of Speech Communication*, 44, 50-59.
- Erickson, B., Lind, E., Johnson, B., & O'Barr, W. (1987). «Speech Style and Impression Formation in a Court Setting: The Effects of "Powerful" and "Powerless" Speech». *Journal of Experimental Social Psychology*, 14, 266-279.

- Feist, J., Feist, G., & Roberts, T. A. (2013). *Theories of Personality* (Eighth ed.). London: McGraw-Hill Higher Education.
- Freud, A. (1936). *Ego and the Mechanisms of Defence* (Revised edition: 1966 ed.). New York: International Universities Press.
- Freud, S. (1901). *The Psychopathology of Everyday Life*. (A. A. Brill, Trans.) New York: The Macmillan Company (1914).
- Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Kord Zafaranlu, A., & Momeni, N. (2010). «Specifying power in Language with Introduction of New Signs of Power». *International Journal of Humanities*, 17, 47-65.
- Kristeva, J. (1984). *Revolution in Poetic Language* (La Révolution Du Langage Poétique (1974)). (M. Waller, Trans.) New York: Columbia University Press.
- Lakoff, R. (1973). «Language and Woman's place» (Vol. 2). *language in society*.
- Lakoff, R. (1975). «Language and Woman's Place». New York: *Harper & Row*.
- Lakoff, R. (2004). *Language and Woman's Place, Text and Commentaries*. Oxford: Oxford University Press.
- Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Pedro, R. (2015). *Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Science/Clinical Psychiatry* (Eleventh ed.). LWW.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2013). *Theories of Personality* (tenth ed.). Wadsworth Publishing.
- Vygotsky, L. S. (1978). «Interaction between Learning and Development». (M. Cole, V. J. Steiner, S. Scribner, E. Souber, Eds., & M. Lopez-Morillas, Trans.) *Mind in Society: The Development of Higher Psychological processes*, 79-91.
- White, A. (2003). *Women's Usage of Specific Linguistic Functions in the Context and Casual Conversation: Analysis and Discussion*. England: University of Birmingham: Unpublishe Master Thesis.